

گرفته شده از تارنمای ستاپ امپریالیزم

نوشته ایرک درایتسر

بر گردان: دکتور سید احمد جهش

رجحان تفوق طلبی:

ترکیه، ناتو و عبور به سوی جنگ

در یک و نیم سال تکامل بی ثباتی در سوریه چیزی که به ناظرین سیاسی واضح شده است، رول نا سازگار ترکیه در منطقه است. چونانیکه انقره در سالهای اخیر قصد داشت تا خود را منحنی نیروی تغییر سیاسی، اقتصادی و ترقی استقرار بخشد. این کشور همچنان رول سگ تعلیمی حمله ناتو را به خود گرفت و سلاح قاطع زرادخانه امپریالیستهای غربی شد. در حین زمان اعمال ترکیه در سوریه و به ویژه ضمانت و تنظیم تروریستها توسط آن باید قاطعانه تقبیح گردد. همچنان مهم است یادداشت نمود که مسایل جیوپولتیک و اقتصادی نیز برای ترکیه مطرح میباشد. با در نظر داشت این همه رویدادها، آنهایی از ما در تمام جهان که مداخله و ایجاد بی ثباتی امپریالیستی را رد مینمایند و آنهایی که مخالف تفوق طلبی و دولت های نیابتی غربی اند، باید تلاش نمایند تا ترکیه به راه صلح و ترقی برگردد.

نقش ترکیه در سوریه،

هر آنکه تکامل تدریجی تجاوز امپریالیستی بر ضد سوریه را تعقیب مینماید بدون شک متوجه نقش خائنانه و توطئه آمیز ترکیه گردیده است. از دیدگاه دیپلوماتیک، انقره رهبری مسخ رژیم اسد را به عهده دارد، می گوید که رژیم "خلاف خواست مردم سوریه قرار دارد"، "رژیم مردم خود را می گشد". به هر صورت واقعت اینست که ترکیه همراه با دیگر شرکای جرمی اش در عربستان سعودی، قطر، لبنان و دیگر جاها آنقدر به شعله های خشونت و بی ثباتی در سوریه دامن زد که رژیم اسد گاهی نمیتوانست انجام دهد.

اولتر از همه تضمین و میزبانی اشکار از تروریستهای بین المللی در خاک ترکیه را باید بازرسی نمود. طوریکه هفته گذشته رویترز و دیگر رسانه ها گزارش دادند که ترکیه یک پایگاه تروریستی را در شهر «ادانا» نزدیک پایگاه امریکا- ناتو در انسرلیک کاربری می

نماید. از این پایگاه (و یقیناً از دیگر پایگاه‌ها) تعداد زیاد از تروریست‌ها به خاک سوریه فرستاده می‌شوند، علاوه‌بر این تروریست‌ها از سوریه نیستند که کوشش دارند وطن خود را بی‌ثبات بسازند. در حقیقت اکثریت آن‌های که از پایگاه ترکیه عملیات می‌نمایند از لیبیا، چینیا، قطر و دیگر کشورها اند.

اکنون کاملاً واضح است که بی‌ثباتی سوریه به دستور عربستان سعودی و قطر تحت اداره و قوماندان نظامیان و استخبارات ترکیه رهبری گردیده است. پس عادلانه خواهد بود اگر گفته شود که ترکیه در خط اول حمله بر همسایه‌اش قرار داشته رضاکارانه با ناتو همکاری نموده شریک جرم و مرتکب جنایات جنگی بیشمار و وحشتناک علیه مردم سوریه می‌باشد.

میزبانی و کاربری شبکه‌های تروریستی یگانه راهی نیست که در آن انقره در تشدید کشمکش رول افزاری خود را بازی کرده است. در یک مقاله تحت عنوان "جنگ به هرقیمت: بهانه ساخته‌گی دیگر برای جنگ با سوریه"، من؛ هنجاری را که توسط آن حکومت اردوغان (صدراعظم ترکیه مترجم) تلاش نمود تا با استفاده از سقوط یکی از طیارات جت‌اش جنگ مقابل همسایه‌اش را برحق نشان دهد تحلیل کرده‌ام.

در هفته‌های بعدی و بعد از تحقیقات دقیق واضح گردید که جت ترکیه به نقض قلمرو فضائی سوریه پرداخته و نیروهای سوریه مطابق قانون بین‌المللی عمل کردند. رویهمرفته رجز خوانی «اردوغان»، «داود اوغلی» و دیگران بیشتر دستوری بود. در پس‌اینده واقعه، «اردوغان» سوریه را تهدید نظامی کرده و ادعا نمود که نیروهایش می‌تواند باعث تهدید ترکیه شود. البته این‌طور معنی می‌دهد که ترکیه چنین حق را به خود اختصاص داده تا عمل کرد نیروهای نظامی یک مملکت آزاد در قلمرو سرحداتش را **تهدید** تعبیر نماید که تخطی روشن از قانون و پرنسیپ‌های روابط بین‌المللی می‌باشد. به‌طور خاص تمام حادثه سقوط هواپیمای جت نمایانگر آن واقعیت است که اردوغان و شرکا می‌خواستند که اجازه دهند تا به مثابه خنجر ناتو بر ضد اسد استعمال شوند.

یکی از عناصر جدا ناپذیر کمپاین بی‌ثبات‌سازی استعمال نهاد "دیپلوماتیک" خارجی، مقدماتی به اصطلاح شورای ملی سوریه است که به مثابه صدای نمایشی مخالفین باید عمل نماید؛ حال آنکه در واقع خود سخنگوی امریکا-ناتو می‌باشد.

اس ان سی (سورین نشنل قنسل .مترجم) توسط بنیادی رهبری می شود که ایجنتهای غرب مانند «بسمه قزمانی» (خانم سورپایی که رئیس روابط خارجی «اس ان سی» است. مترجم) که طرفدار تبدیل رژیم در سوریه بوده، دسته های بی مسوولیت ترور و جوخه های مرگ را که تحت نام "فری سورین آرمی (اردوی آزاد سوریه)" «اف اس ای» فعالیت می کنند حمایت می نماید. شورا توسط ترکیه میزبانی شده، انقره او را تقویه مالی و دیپلوماتیک می کند. این نهاد معلوم الحال در متحد ساختن مخالفین، ماموریتی که به نماینده گی ناتو - امریکا داشت ناکام گردیده در عوض انگشت نما و هدف اعتراض بخش بزرگ جامعه جهانی قرار گرفت. در ماه های اخیر واضح گردید که «اس ان سی» در حقیقت از یک تعداد گروه ها به شمول اخوان المسلمین که در قاچاق اسلحه در امتداد سرحد سوریه و ترکیه با همراهی «سی آی ای» دست دارد، تشکیل گردیده است. علاوه «اس ان سی» و میزبان ترکی اش تلاش نمودند تا با استفاده از ناراضیان کرد که اکثر شان «اس ان سی» و از هم پاشیدن سوریه را مقدمه برای آستقلال خود میدانند هرج و مرج را در سوریه دامن بزنند. مخصوصا «اس ان سی» (و به درجه کمتر اف .اس. ای) بدون تقویه مالی و دیپلوماتیک حکومت ترکیه نمیتوانست وجود داشته باشد.

چیزی را که حکومت ترکیه "کمک به مردم سوریه" می خواند در حقیقت کمک به شبکه بین المللی ترور است و اکنون مردم می دانند که القاعده در خاک ترکیه نزدیک به سرحد سوریه فعالیت می نماید و از خاک ترکیه به مثابه یک پناه گاه امن و محل قومانده جهت تهاجم به سوریه استفاده می کند. طوریکه «تونی کارتلوچی» برجسته ساخته است این یک روند نو نیست، «کارتلوچی» به مقاله نیویارکر توسط «سیمور هرش» تحت عنوان "سمت دهی مجدد" اشاره می کند که در آن «هرش» می نویسد:

"جهت نقب زدن ایران شیعه مذهب اداره بوش تصمیم گرفت تا الویت هایش را در شرق میانه تجدید هیئت نماید. در لبنان حکومت با عربستان سعودی که سنی می باشد در عملیات مخفی غرض تضعیف حزب الله، سازمان شیعه، که حمایه ایران را دارد همکاری نمود. امریکا همچنان در عملیات مخفی علیه ایران و متحدش سوریه حصه گرفت. یکی از فراورده های اینهمه فعالیتها تشجیع گروپهای بنیادگرای سنی معتقد به دید ستیزگرا از اسلام، دشمن به امریکا و هواخواه القاعده بود."

اینجاست که ما شرکت امریکا و ایجنتهای منطوقی اش را در سازماندهی و رفع قلاده از القاعده و استفاده ابزاری از آن بر ضد دشمنان مشاهده نماییم. (این موضوع خلیها به اصطلاح به برنامه و بازیهای مرموز پروسه صلح با طالبان در افغانستان، شباهت دارد. مترجم).

ترکیه کاملاً به خود اجازه داد تا سستی برای این نوع بی ثباتی گردد. دقیقاً چیزیکه از شروع ماجرا تا حال رژیم اسد استدلال می نماید. در پهلوی القاعده، اخوان المسلمین و دیگر شبکه های ترور در ترکیه بسیج گردیدند تا دولت سوریه را درهم کوبند. کوشش برای آن بود تا رژیم اسد را سرنگون کرده و به جای آن حکومتی را نصب کنند که بیشتر تابع دیزاین امریکا در ایجاد جهان نوعرب باشد. جهان نو عرب که برای نیم قرن دیگر نوکری امپریالیزم غرب را نماید. آنچه به وقوع پیوست کاملاً عکس مسئله بود. به عوض نابودی سوریه و رژیم در دمشق، این تروریستان و گرداننده گان شان در انقره، ریاض و واشنگتن بود که مجبور شدند عقب نشینی کنند زیرا دمشق موفقانه ستراتیژی ضد تروریزم را پیش برده کنترل مملکت را حفظ کرد.

جیوپولیتکس و ترویج سرنگونی،

از شروع بی ثباتی سوریه، ناظرین سیاسی متعجب بودند که ترکیه با تحریک بی نظمی در سرحد امید چه سودی را دارد. با توجه به این سوال پیچیده، یکی به کسب بینش بیشتر از علل ایکه ترکیه برای این کار داشت شروع کرد، دیگری به کشف فکر و نیت ترکیه پرداخت. برای سالها ترکیه سیاست "عدم مشکل" را با همسایه های خود حفظ نموده بود، مخصوصاً ترجیح میداد که با تمام بازیگران در منطقه از اسرائیل تا سوریه و ایران رابطه داشته باشد. طوریکه نیویارک تایمز اشاره می نماید در سالهای اخیر مخصوصاً تحت رهبری اردوغان و وزیر خارجه فعلی داود اوغلی این ستراتیژی تغییر نموده است، با ایشان (اردوغان و اوغلی) در قدرت ترکیه انتخاب کرد تا ابزار ناتو شود و کثافت کاری امپریالیزم را به شمول حملات دیپلوماتیک، تروریزم، و به همان اندازه دهشتناک اشکال مختلف خرابکاریها را پیش ببرد با این کار دستگاه رهبری انقره شامل توطئه تفوق طلبی و تسلط ناتو گردید.

چنین به نظر می آید که حکومت ترکیه تسلیم یک نوع غرور و یا بعضی شاید استدلال کنند که دچار هیستری قدرت شده است. «اردوغان»، «داود اوغلی» و دیگران می خواهند

کوشش نمایند تا ترکیه را هژمون منطقوی سازند که توان نفوذ اقتصادی، سیاسی و نظامی بالای همسایه هایش داشته باشد.

اما طوریکه دیده میشود ناکام اند تا درک نمایند که ترکیه خودش یک دولت آسیب پذیر است، کمتر از یک قرن قبل به وجود آمده و متشکل از چندین گروپ قومی است که با هم اختلاف دارند.

طوریکه وبستر تارپلی مولف و مورخ مینگارد "با خرید ترکیه توسط طبقه ممتاز انگلیس- امریکا وضعی ایجاد گردیده است که در آن خطر و پاداش ممکنه کاملاً خارج از قیاس میباشد." واقعاً به نظر می آید که دستگاه رهبری در انقره ضرب المثل "معامله با شیطان" را عملی کرده، به معقولیت و سیاست "عدم مشکل" به نفع سیاست "مشکلات بی پایان" مطروحه ناتو و اربابانش دروالم ستريت و لندن، پشت پا زده است.

بازی در یک بازی خطرناک،

ترکیه با اقدامش برای تخریب اسد و سوریه خود را معروض به خطرات زیادی می نماید. اولتر و از همه بیشتر انعکاس آنی ناشی از تخریب همسایه اش را باید مد نظر داشت. بدون شک، اداره اقلیت کرد که بیشتر از چهارم حصه نفوس ترکیه را تشکیل می دهد بعد از این مشکل خواهد بود، آنها با عموزاده های سوریایی شان متحد گردیده باعث نا آرامی در داخل ترکیه شده به تشدید جنگها و جنبش جدایی طلبی که از ده ها سال بدینطرف در منطقه کردستان ادامه دارد، خواهند پرداخت. حزب کارگران کردستان (پ ک ک) از سالهاست که به فعالیت های ترورستی در ترکیه پرداخته و با انهدام سوریه احتمال می رود که به مثابه یک تهدید مستقیم به امنیت و مسئولیت ترکیه تبارز نماید. ذاتا بعد از این خیلی قابل پیشگویی است که بی ثباتی سوریه توسط ترکیه باعث بی ثباتی ترکیه خواهد شد.

ثانیا ترکیه روابط اقتصادی دوامدار و منفعت آورش را با روسیه و چین به خطر مواجه می سازد.

ترکیه نسبت موقف ماجراجویانه اش به مقابل سوریه می تواند روابطی را که دقیقاً به نفع اقتصاد و مردمش است به مخاطره اندازد. در ارتباط به روسیه، ترکیه معاملات مهم عمرانی دارد که باید درک کند، برجسته ترین آنها معامله نیروگاه اتومی «مرسن اکویو» به ارزش بیست بلیون دالر است که بین روسیه و ترکیه به امضا رسیده است و بزرگترین سرمایه گذاری روسیه در خارج می باشد.

علاوتاً این قرارداد ترکیه را در ساحه تولید انرژی و تکنالوژی عالی که هر دو جهت حفظ و اعمار یک اقتصاد پیشرفته در قرن ۲۱ مهم اند به پیش سوق میدهد. همچنان لوله گاز جریان جنوب که از قبل بخش جدایی ناپذیر آینده اقتصاد روسیه و ترکیه شمرده می شود می تواند به خطر مواجه گردد. علاوتاً توقع می رود که ایجاد شورای عالی همکاری در وقت «میدویدوف» رهبری دیپلوماتیک و سیاسی هر دو مملکت را با هم نزدیک سازد تا جهت اعمار سرنوشت مشترک اقتصادی با هم کار نمایند.

این می تواند شروع پیشرفت عظیم اقتصادی و جیوپولیتیک برای روسیه و ترکیه باشد، پیشرفتی که احتمال دارد حماقت غیر قابل توجیه ترکیه به مقابل سوریه مانع آن شود. و بالاخره ترکیه به عضویت در سازمان همکاری شانگهای که روسیه و چین در آن نفوذ بیشتر دارند توجه دارد. از سبب بحران اقتصادی در اروپا و در مجموع آینده نا معلوم اتحادیه اروپا ترکیه پیوستن کامل به اروپا را توقف داده به عوض توجه اش به سازمان شانگهای تمرکز یافته است، فقط در این هفته اردوغان توضیح نمود که مملکت اش بیشتر به عوض اروپا پیوستن به سازمان همکاری شانگهای را در نظر دارد. طبعاً که مسکو و پکن اجازه نخواهد داد تا یک دولت سگ جنگی ناتو داخل سازمان همکاری شانگهای شود، و به همین ترتیب در دیگر مسایل، ترکیه امکان پیوستنش را به "جهان در حال انکشاف"، بریکس (برزیل، روسیه، هند، چین، آفریقای جنوبی. مترجم) و سازمان همکاری شانگهای به مخاطره می اندازد. و خاصاً به سبب آنکه آنها به خود اجازه دادند تا امریکا - ناتو سرشان کلاه بگذارد.

به ترکیه خوب خواهد بود تا به گذشته خود نظر اندازد تا فرزاندگی یابد و در روشنی آن پس بطرف سیاست خارجی سالم، پیشرفت و خرد برگردد.

اتاترک اساسگذار ترکیه مدرن وقتی گفته بود "مگر آنکه حیات ملت را خطر جدی تهدید کند، جنگ آدم کشی است" به واقعیت و معنی این گفته نباید کم بها داد. در واقع ترکیه از تجارب دشوار باید می آموخت که راه به سوی ترقی پر از چالش هاست که ملل امپراتوری و هژمونی باید خون بریزانند تا زندگی مردم را بهتر سازند. در این قضیه ما باید نه تنها راجع به حیات مردم ترکیه فکر کنیم، بل حیات مردم سوریه و تمام مردم جهان را نیز مد نظر داشته باشیم. با اجرای این کار، مهم است به خاطر داشت که ادامه راه به سوی سرنگونی، تروریزم و تخریب در سوریه هیچ پیامد خوب به ترکیه و منطقه نخواهد داشت.

طوريكه گفته مشهور اتاترك است كه: "صلح در خانه، صلح در جهان" اميد است اين
كلمات در تركيه امروز كاملا فراموش نه شده باشد.